



فصل نامه تحقیقات تمثیلی در زبان و ادب فارسی

دانشگاه آزاد اسلامی - واحد بوشهر

شماره سی و هفتم - پاییز ۱۳۹۷ - از صفحه ۹۰ تا ۱۱۰

تمثیل در سلمان و ابدال جامی

زینب نوری سرخنی^۱، فاطمه حیدری^{۲*}

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران

۲. دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران

چکیده

تمثیل یکی از مهم‌ترین انواع ادبی است که جایگاه والایی را در ادبیات فارسی به خود اختصاص داده است، با بررسی تمثیلات هر قوم می‌توان از طرز زندگی اجتماعی و میزان تمدن و تربیت آن جامعه آگاه شد. تمثیل از یکسو وابسته به انگیزه‌های گوینده و از سوی دیگر، وابسته به مقدار دانش، هدفمندی و آگاهی شنونده یا گیرنده است. تمثیل می‌کوشد بخشی از آگاهی را ملموس کند و برای توضیح و تبیین معنی به کار می‌رود و در خدمت ادبیات تعلیمی قرار می‌گیرد. در پژوهش حاضر که به روش توصیفی-تحلیلی انجام شده، تمثیل داستانی و ابزار و عناصر کاربرد آن در سلمان و ابدال جامی بررسی و نمودار بسامدی انواع فابل، پارابل و محتوای تمثیلات... ترسیم شده است. نتیجه این بررسی نشان داده، در سلمان و ابدال پارابل پرکاربردترین نوع تمثیل داستانی است و جامی از اساطیر ملی، تلمیحات تاریخی و مذهبی و حیوانات برای بیان تمثیلات خود سود جسته است.

واژگان کلیدی: تمثیل، جامی، سلمان و ابدال، پارابل، تمثیل رمزی

تاریخ دریافت: ۹۷/۴/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۷/۲۰

* پست الکترونیک نویسنده مسؤول: fateme_heydari10@yahoo.com

مقدمه

نورالدین عبدالرحمن بن نظام الدین احمد بن محمد متخلص به جامی ملقب به خاتم الشعرا، موسیقی‌دان، ادیب و صوفی نام‌دار ایرانی در سال ۸۱۷ هجری قمری در خرجرد جام از توابع خراسان متولد شد، پس از مدتی همراه پدر به سمرقند و هرات رفت و در آن دیار به کسب علم و ادب پرداخت، سپس به سیر و سلوک مشغول و از بزرگان طریقت شد. او نزد سلطان حسین میرزا بایقرا و وزیر فاضل او امیر علیشیر نوایی تقریبی خاص داشت. وی در محرم ۸۹۸ هجری قمری وفات کرد و در هرات به خاک سپرده شد. از جامی بیش از چهل اثر و تألیف سودمند و گرانبها به جای مانده است. معروف‌ترین آثار او عبارت از هفت مثنوی به نام "هفت اورنگ" است که خود مشتمل بر هفت کتاب در قالب مثنوی است. سلامان و ابدال مثنوی دوم مجموعه هفت اورنگ، تمثیلی است در بحر رمل مسدس، به نام سلطان یعقوب ترکمان آق قویونلو که جامی آن را در سال ۸۸۵ به نظم فارسی درآورد.

«در میان نسخ خطی کتابخانه موزه بریتانیا نسخه‌ای از قصه‌ی سلامان و ابدال موجود است که ترجمه‌ی آن از یونانی به عربی به حنین بن اسحاق نسبت داده شده است.» (صفا، ۱۳۸۳: ۳۳۴) «نخستین بار حنین بن اسحاق طیب و مترجم کتاب‌های یونانی به عربی، روایتی از داستان سلامان و ابدال را نقل و ادعا کرده که آن را در منابع قدیمی یونانی یافته است. نسخه‌هایی از این روایت در کتابخانه موزه بریتانیا و کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است، پس از او، ابن سینا در نمط نهم کتاب "الاشارات و التنبیهات" ضمن شرح مقامات عارفان می‌نویسد: «هر گاه داستان سلامان و ابدال به گوشت رسید، بدان که سلامان تمثیلی از تو است، و ابدال تمثیلی از رتبه تو در عرفان است، اگر از اهل آنی. اگر توانستی رمز را بگشای.» فخر رازی که به اصل این قصه دسترسی نداشته، اشارات ابن سینا را دریافته و آن را مورد انتقاد قرار داده و نوشته: آن چه شیخ ذکر کرده از داستان‌های رایج و مشهور نیست، تا بتوان از ظاهر آن بر مراد و مقصود بوعلی سینا دست یافت.» (روشن، ۱۳۸۲: ۱۰۷) خواجه نصیر الدین طوسی سخن فخر رازی را رد کرده می‌گوید: «سخن شیخ رئیس درست و استوار است و سلامان و ابدال از داستانهای مشهور میان عرب است. وی این داستان را به سه وجه بیان می‌کند: نخست داستانی که از فاضلی خراسانی شنیده است که در کتاب "النوادر" ابن

الاعربی نقل نموده و داستانی که آن را ساخته عوام می‌داند و سپس داستانی که آن را منسوب به ابن سینا می‌داند» (روشن، ۱۳۸۲: ۱۰۸) سلامان و اَبسال جامی سرشار از حکایت‌های آموزنده پیام‌های اخلاقی و مضامین عشقی و عرفانی است و جزو منظومه‌های رمزی و تمثیلی ادب عرفانی فارسی به شمار می‌رود. موضوع داستان شرح دلدادگی "سلامان" به دایه "اَبسال" است.

۱. پیشینه تحقیق

تا کنون پژوهش‌های متعددی در زمینه‌ی تمثیل صورت گرفته که برخی از آنها عبارتند از: نظری (۱۳۹۳)، در مقاله خود با عنوان «نقش تمثیل در داستان‌های مثنوی معنوی» انواع تمثیل را در مثنوی معنوی با توجه به تقسیم بندی غربی آن با زیرمجموعه‌های فابل، پارابل، آگزمپلوم، اثرپذیری گزارشی و تناقض با ذکر نمونه‌هایی بررسی نموده است. مقاله «نماد و تمثیل تفاوتها و شباهتها» به قلم امامی (۱۳۸۱)، به بررسی نماد و تمثیل و تفاوتها و شباهتهای آن پرداخته است و معتقد است: تمثیل دو معنا را در کنار هم در یک خط افقی، آرام و ساده قرار می‌دهد. مقاله «تمثیل ماهیت، اقسام، کارکرد» نوشته‌ی محمود فتوحی رودمعجنی (۱۳۸۳)، به بررسی پیشینه و تعریف تمثیل در ادبیات دینی و اسطوره‌ها تعاریف بلاغی آن (قدیم و جدید) در بلاغت و نقد ادبی پرداخته و اقسام و کارکرد تمثیل را بیان می‌کند. مقاله «تمثیل و تصویری نو از کارکردها و انواع آن» به قلم شیری (۱۳۸۹)، تمثیل را از نظر محتوایی مورد بررسی قرار داده است.

همچنین پژوهش‌هایی در باره‌ی سلامان و اَبسال جامی صورت گرفته از جمله: «تحلیل شخصیت پردازی در منظومه سلامان و اَبسال جامی» نوشته، محمودی و خواجه دهاقانی (۱۳۹۱) به چاپ رسیده، این مقاله صرفاً به شخصیت پردازی در این منظومه پرداخته و گفتگو را موثرترین شیوه بیان احساس در این منظومه ذکر کرده است. اما پژوهشی در باب بررسی انواع تمثیل در آثار جامی صورت نگرفته است.

۱-۲. تعریف تمثیل

تمثیل صورتی از اندیشیدن و شکلی از سخن گفتن است که در آن همانندی میان دو چیز منظور نظر گوینده قرار گرفته است، در تمثیل، ویژگی‌ها و احکام یک شیء شناخته شده یا مأنوس به شیء ناشناخته یا نامأنوس نسبت داده می‌شود. بهره‌وری از تمثیل در نظام‌های تربیتی همواره رایج بوده و در ایجاد انس ذهنی و شناخت موضوع نقش داشته است. محسوس‌ترین فایده تمثیل، تسهیل و تسریع در فهم است. مفاهیم معقول‌گانه چنان ظریف و پیچیده است که تنها از رهگذر تمثیل قابل فهم‌اند. مثلاً "حرکت جوهری" در فلسفه ملاصدرا چنان ساده نیست اما وقتی در حرکت دانه سیب تا مرحله به ثمرنشستن ترسیم و در حقیقت، در قالب تمثیل بیان می‌شود قابل فهم می‌گردد.

به نظر دهخدا تمثیل از نظر لغوی معادل «مثل آوردن و تشبیه کردن چیزی به چیزی دیگر» است. (دهخدا، ۱۳۷۷، ذیل واژه تمثیل) قدامه بن جعفر (۲۳۷ ه ق) در مفهوم صفت هماهنگی کلمه با معنی آورده و در تعریف آن گفته است: «تمثیل آن است که شاعر برای بیان معانی به معنای دیگر اشاره کند که معنای دوم از معنای نخستین خبر دهد.» (قدامه بن جعفر، ۱۳۸۵: ۲۴۳)

تمثیل در تعریف همایی، «آراستن عبارت نظم، نثر با جمله‌ای متضمن مطلبی حکیمانه آمده است؛ شگردی که موجب آرایش و تقویت سخن می‌شود.» (همایی، ۱۳۸۸: ۲۹۹). در تعریف‌های متأخرتر به جنبه روایی تمثیل توجه بیشتری شده است؛ چنانکه «تمثیل حکایت و روایتی خواننده شود که هرچند معنای ظاهری دارد اما آنچه مدنظر گوینده است معنای کلی دیگری است.» (شمیسا، ۱۳۸۵: ۷۹)

در فرهنگ اصطلاحات ادبی «تمثیل در لغت به معنی مثال آوردن، تشبیه کردن، مانند کردن، صورت چیزی رو مصور کردن، داستان یا حدیثی به عنوان مثال بیان کردن و داستان آوردن است و در اصطلاح آن است که عبارت را در نظم و نثر به جمله‌ای که مثل یا شبهه مثل و دربرگیرنده‌ی مطلبی حکیمانه است بیارایند این صفت باعث آرایش و تقویت و قدرت بخشیدن به سخن می‌شود.» (داد، ۱۳۸۳ در ذیل واژه تمثیل)

۲-۲. پیشینه‌ی تمثیل

«تمثیل از آغاز پیوند استواری با روایت داستانی داشته است از این رو بسیاری از محققان تمثیل رمزی را با اسطوره درآمیختند و نخستین روایت‌های اسطوره‌ای را تمثیل روایی خوانده‌اند.» (جان مک کوین، ۱۳۸۹: ۳) «در یونان باستان تمثیل در کانون توجه خطیبان و اهل بلاغت بود ارسطو در کتاب رتوریک مثال داستانی را یکی از ابزارهای خطیبان برای اقناع می‌شمارد.» (ارسطو، ۱۳۷۱: ۱۵۵)، در اساطیر عصر باستان میان قهرمانان و خدایان درگیری و کشمکش بود همین درگیری‌ها تمثیل‌هایی از بحران‌های روحی انسان ابتدایی است و شاید به همین دلیل این نوع تمثیل را تمثیلی روانی نامیده‌اند. (همان: ۳)

تمثیل یکی از مؤثرترین شکل‌های ادبی برای تبلیغ آموزه‌های دینی و اخلاقی بوده است و کتاب‌های آسمانی پر از حکایت‌ها و امثال اخلاقی و فلسفی می‌باشند قدیمی‌ترین نمونه‌های تمثیلی دینی را در تورات می‌توان یافت. در ادبیات مسیحی به جای مثل واژه "الیگوری" بکار برده‌اند؛ شاید به آن جهت که این واژه زمینه‌ی آزادی ادراک و قابلیت تأویل بیشتری دارد. «اصطلاح الیگوری در کتاب مقدس ترجمه نسخه قدیمی کینگ جیمز (۱۶۱۱ میلادی) به صراحت آمده تا نشان دهد که مکتوبات مسیحی تمثیلی‌اند.» (فتوحی، ۱۴۵: ۱۳۸۳)

در بلاغت اسلامی ریشه مباحث مربوط به تمثیل را باید در مثل جست، قرآن کریم سرشار از امثال حکیمانه‌ای است که برای پند و اندرز انگیزش و ترغیب بیان و اثبات معانی و ارائه تصویر محسوس از مفاهیم آمده است.

ابوعبید القاسم بن سلام گفته است که «مثل در عصر جاهلی و اسلام حکمت عرب بود و عرب با آن به مجادله کلامی می‌پرداخت و از رهگذر آن به کنایه و نه به صراحت -مقاصد خویش را در گفتار حاصل می‌کرد؛ و سه ویژگی داشت ایجاز لفظ، رسایی معنا و زیبایی تشبیه» (ابوعبید بن قاسم، ۱۴۰۰: ۳۴) در کتاب‌های بلاغی فارسی و عربی تمثیل از خانواده تشبیه و استعاره است، عموماً تمثیل را شاخه‌ای از تشبیه شمرده‌اند و با تعبیر «تشبیه تمثیل، تمثیل تشبیهی، استعاره تمثیلیه و تمثیل» از آن یاد کرده‌اند، نخستین بار قدامه بن جعفر (۳۳۷ ق) تمثیل را در مفهوم ائتلاف لفظ و معنی به کار برده است (جرجانی، ۱۱۳: ۱۳۷۰) و به طور کلی ۴ دیدگاه از گذشته تا به امروز به بحث گذاشته شده است:

دیدگاه اول: مطرزی و ابن اثیر تمثیل را مترادف و هم معنی با تشبیه می‌دانند. (ابن اثیر، ۱۳۷۹ ق: ۱۲)

دیدگاه دوم: جرجانی، خطیب قزوینی و جمهور بلاغیان، تمثیل را نوعی تشبیه می‌دانند که وجه شبه مرکب از امور متعدد می‌باشد جرجانی نخستین کسی است که از تشبیه به تفصیل سخن گفته و در نظر او تشبیه اعم از تمثیل است یعنی «هر تمثیلی تشبیه است اما هر تشبیهی تمثیل نیست» (جرجانی، ۱۳۶۶: ۹۵). تشبیه تمثیلی، تشبیه مرکبی است که وجه شبه آن از یک یا چند جمله منتزعه باشد به گونه‌ای که جملات را نتوان از هم جدا کرد و سه ویژگی زیر را دارا باشد:

۱. «وجه شبه در آن آشکار نباشد. ۲. وجه شبه صفتی عقلی و غیر حقیقی و برآمده از امور متعدد باشد ۳. درک آن نیاز به تأویل داشته باشد. (جرجانی: ۱۱۳-۱۰۸) و همچنین سکاکی معتقد است «تشبیه تمثیلی تشبیهی است که وجه شبه در آن به هیئت غیر حقیقی حسی خواه عقلی باشد و خواه اعتباری صرف.» (سکاکی، ۲۰۰۰ م: ۴۵۵)

بدین معنا که وجه شبه آن مرکب و عقلی است (جرجانی، ۱۳۶۶: ۲۲۳). سکاکی «قید غیر حقیقی» را به تعریف جرجانی می‌افزاید و تشبیه تمثیل را تشبیهی می‌شمارد که وجه شبه آن وصفی است غیر حقیقی که از امور متعدد منتزعه می‌شود (سکاکی، ۲۰۰۰ م: ۱۴۳) خطیب قزوینی تصریح می‌کند، «که قید غیر حقیقی افزوده سکاکی است.» (التلخیص، ۱۹۰۴ م: ۲۷۴) تفتازانی در موطول و شرح المختصر (ج ۲، ص ۹۵)، به پیروی از جرجانی تشبیه تمثیل را تشبیهی معرفی کرده که وجه شبه آن از امور متعدد منتزعه شود (مطول، ۱۴۰۹: ۳۷۹ ق).

دیدگاه سوم: تمثیل از دیدگاه ابن خطیب رازی، عبدالکریم صاحب التبیان، علوی و تفتازانی از زمره استعاره و مجاز می‌باشد و آن را از تشبیه جدا می‌دانند، همچنین شمس قیس رازی می‌گوید: "و آن هم از جمله استعارات است الا در این نوع استعاره‌تر است به طریق مثال؛ یعنی چون شاعر می‌خواهد که به معنی اشاره می‌کنند و چند که دلالت بر معنی دیگر کنند بیاورد و آن را به سال نو یعنی مقصود سازد و از معنی خویش بدان مثال عبارت کند و این صنعت خوشتر از استعارات مجرد باشد" (شمس قیس رازی، ۱۳۸۸: ۳۷۷). واعظ کاشفی بر این عقیده

است «که تمثیل از جمله استعارات است الا آنکه این استعارات بر طریق مثال مذکور می‌گردد. تمثیل در لغت باز نمودن صورت و مثال است و در اصطلاح ایراد معنی مقصود است به طریق مثل و ...» (واعظ کاشفی، ۱۳۶۹: ۱۰۵) یحیی بن حمزه علوی (۷۴۹ ق) در کتاب الطراز، تمثیل را از شاخه‌های استعاره از خانواده مجاز شمرده و می‌گوید: «استعاره، تمثیل و کنایه، همگی از خانواده مجاز هستند ولی تشبیه مجاز نیست.» (علوی، ۱۴۱۵: ۲۰۴)

سعدالدین تفتازانی (۷۹۲ ق) تمثیل را نوعی مجاز مرکب به علاقه شباهت (استعاره تمثیلیه) خوانده که به روش استعاره ساخته می‌شود (تفتازانی، ۱۴۰۹: ۳۷۹).

دیدگاه چهارم: تمثیل داستانی است که پیامی در خود نهفته دارد و معادل الیگوری در بلاغت فرنگی است و «عبارت است از ارائه کردن یک موضوع تحت صورت ظاهر موضوع دیگر این اصطلاح به عنوان یک طرز و شیوه ادبی که یک عقیده یا یک موضوع نه از طریق مستقیم بلکه در لباس و هیئت یک حکایت ساختگی با موضوع و فکر اصلی از طریق قیاس قابل مقایسه و تطبیق است» (پورنامداریان ۱۳۸۰: ۱۱۶).

در اصطلاح ادبی، «تمثیل نوعی تشبیه است (Allegory) هم حاصل ارتباط دوگانه بین مشبه و مشبه به (= ممثل) است. در تمثیل هم اصل بر این است که فقط مشبه به ذکر شود و از آن متوجه مشبه شویم. در واقع تمثیل، استعاره گسترده (Extended Metaphor) است. اما گاهی ممکن است، مشبه هم ذکر شود (مثل تشبیه تمثیل): مثل کسانی که فقط به دنیا چسبیده‌اند، مثل کسانی است که در رهگذر خانه‌ای سازند. در این صورت هم از مشبه و هم از مشبه به امر کلیتری را استنباط می‌کنیم: کسانی که به امور حقیر و ناپایدار مشغولند و عاقبت را نمی‌بینند، از کار خود بهره‌ای نمی‌برند.» (شمیسا، ۱۳۸۵: ۲۳۷) جلیل تجلیل در کتاب معانی و بیان خود در این خصوص آورده است: «هر گاه جمله‌ای در غیر معنی اصلی به علاقه مشابه به کار روند آن را تمثیل و استعاره تمثیلیه گویند» (تجلیل، ۱۳۷۶: ۶۸)

شفیعی کدکنی معتقد است: «تمثیل را می‌توان برای آنچه در بلاغت فرهنگی الیگوری می‌خوانند به کار برد و آن بیشتر در حوزه ادبیات روایی است» (شفیعی کدکنی، ۱۳۶۶: ۸۵) و در علم بیان نیز «همین لفظ تمثیل معنی اصطلاحی خاصی پیدا می‌کند که همان کار استدلال

قیاسی منطق را در عالم ادبیات به عهده می‌گیرد» (ثروتیان ۱۳۶۹: ۵۴)

در واقع «تصویر (ایماژ) یا داستانی است که پشت معنای لفظی یا ظاهری آن، معنای مشخص دومی هم پنهان باشد، بنابراین هر تمثیل معنایی دوگانه دارد: معنای ظاهری و اولیه، معنای استعاری و ثانویه؛ و خواننده باید از تأمل در رویه تمثیل، و معنای اولیه آن به معنای ثانوی یا به تعبیر لافونتن، روح تمثیل راه یابد. معنای ثانوی تمثیل قراردادی و از پیش اندیشیده است و بر مبنای آن چیزی نامحسوس به زبان تصویر به صورت محسوس در می‌آید. پس، تمثیل شیوه‌ای است که تمثیل پرداز با آن، عامدانه، مفاهیم عقلی و انتزاعی، روانشناختی یا روحی را به زبان مادی و ملموس بیان می‌کند.» (انوشه، ۱۳۸۱: ۴۰۴).

۱.۳. منظومه‌ی سلامان و ابسال

به روزگاران باستان در یونان پادشاهی می‌زیست که وزیری حکیم داشت و پادشاه جز به تدبیر او گامی بر نمی‌داشت، شبی به فکر فرورفت که دیر یا زود باید تخت و تاج را ترک کند و هیچ کس بهتر از فرزند شایسته‌ی جانشینی او نمی‌تواند باشد، پادشاه با حکیم مشورت کرده نظر او را جویا می‌شود حکیم در مذمت شهوت سخن رانده شاه را برحذر می‌دارد شاه تصمیم می‌گیرد بدون همسر صاحب فرزندگی گردد و با تدبیر حکیم پس از گذشت ۹ ماه فرزندگی به زیبایی هر چه تمام‌تر به دنیا آمده نام او را سلامان می‌نهند و دایه‌ای به نام ابسال را برای نگهداری و پرورش و شیردهی سلامان می‌گمارند، سلامان چون به حد کمال می‌رسد دلباخته ابسال شده پیوسته اوقات خود را با او می‌گذراند. سرزنش‌ها و پندهای شوهر و حکیم تاثیری در عشق آنان ندارد آنها سرانجام برای رهایی از تیغ تیز ملامت هجرت برمی‌گزینند. بعد از یک هفته به نزدیک دریا می‌رسند قایقی اختیار کرده به مسافرت ادامه می‌دهند و در کنار چشمه ساری مقیم می‌شوند پادشاه در صدد بر می‌آید تا هر دو را نزد خود بازگرداند و بر آن می‌شود تا به نیروی همت، سلامان را از ابسال بازدارد، سلامان عذرخواه و توبه کار نزد پدر باز می‌گردد و درمی‌یابد با عشق ابسال هرگز به پادشاهی که پدر برایش تدارک دیده نخواهد رسید. خسته از اندرزهای تکراری پدر به همراه ابسال به بیابان رفته در آتش می‌رود. پادشاه او را به سلامت از آتش بیرون می‌کشاند و ابسال در آتش می‌سوزد، سلامان، مژگان در خون

می‌کشد پادشاه از برخورد ناخوشایند پسر بیمناک می‌شود و کلید حل مشکل را از حکیم می‌طلبد. حکیم هرگاه که سلامان دلتنگ یار می‌شود صورتش را ظاهر می‌کند و سلامان به این دیدار به امید وصال تسلی می‌یابد و گاهی در آن میان به توصیف زهره می‌پردازد و از جمال او سخن می‌گوید سلامان کم کم در درون خود میل به زهره پیدا می‌کند و نقش ابدال از ضمیرش شسته و آماده پادشاهی بر تخت بلند پایه سلطانی می‌شود. جامی در این حکایت رمزی-تمثیلی بلند، ۳۰ حکایت تمثیلی دیگر را گنجانده است که از وجوه متفاوت قابل بررسی‌اند.

۱،۲،۳. تمثیل از دیدگاه روساخت

۲،۳. حکایت‌ها و داستانها را از روی شکل و ساختار می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

۱،۲،۳. تمثیل‌های روایی بلند: این نوع قصه‌ها چه به شکل گسسته و چه به شکل پیوسته، ابیات فراوانی را در خود جای داده‌اند که دارای طرح داستانی تقریباً پیچیده و ساخت توالی بلندی هستند،

«در این گونه نوشته به داستان به صورت یک استعاره‌ی گسترده نگاه می‌شود که مشبه به خود ظاهر داستان است و مشبه یا معنی مکتوم در ذهن به وجود آورنده آن وقتی که کسی قصد کتمان معنی را داشته باشد در واقع داستان را یک تمثیل رمزی تصور کرده است.» (پورنامداریان، ۱۳۷۵: ۱۶۲) داستان سلامان و ابدال جامی خودنمونه‌ای از تمثیل روایی بلندی است که دارای ساخت توالی بلند و طرح داستانی تقریباً پیچیده و رمزگونه می‌باشد.

۲،۲،۳. تمثیل‌های روایی متوسط: تمثیل‌هایی هستند که تداعی‌شان معمولاً وابسته به تمثیل‌های بلند است اگر چه این نوع تمثیل‌ها بدون وابستگی به تمثیل‌های بلند آورده می‌شود این تمثیل‌ها گاهی در دل تمثیل‌های بلند هم قرار می‌گیرند، جامی ۳۰ حکایت کوتاه را در دل داستان بلند سلامان و ابدال آورده است این حکایت‌ها بدون وابستگی به تمثیل بلند آورده شده اما از نظر معنایی تکمیل‌کننده داستان اصلی است. جامی در ابتدای این منظومه اتگیزه‌ی نظم کتاب را نزدیک شدن به پروردگار و قرب علی الله می‌داند.

خاصه نظم این کتاب از بهر اوست
مظهر آیات لطف و قهر اوست
چون ندارم دامن قربش به دست
بایدم در گفت و گوی او نشست

(جامی، ۱۳۷۸: ۴۰۰)

بدین سبب حکایتی از مجنون را برای تمثیل بیان می‌کند، «حکایت مجنون که از انگشت قلم کرده بر تخته لیگ چون رمالان رقمی می‌زد گفتند: این نوشتن چیست و این نوشته از برای کیست؟ گفت: این نام لیلی ست که به نوشتن آن می‌سازم چون او به دست نیست با نام و عشق می‌بازم».

دید مجنون را یکی صحرانورد
در میان بادیه بنشسته فرد
ساخته برریگ ز انگشتان قلم
میزند حرفی به دست خود رقم
(همان: ۴۰۰)

و همچنین در جای دیگر که کار بر سلامان تنگ شده و با آبسال راه گریز به پیش می‌گیرد جامی برای مثال حکایتی از "فراخواندن زندان تنگ بر زلیخا در مشاهده یوسف علیه السلام" ذکر می‌نماید:

هر کجا از عشق جانی در هم است
محنت اندر محنت و غم در غم
یوسف کنعان چو در زندان نشست
بر زلیخا آمده از هجران شکست
(همان: ۴۳۰)
(همان: ۴۳۱)

۳،۲،۳. حکایت‌های روایی کوتاه: این حکایت‌ها را باید مثل یا تمثیلهای شمرد که همیشه با یک پیام اخلاقی همراه است و با یک معنی مقایسه می‌شود و مقایسه‌ی آن با تمثیل به قابل فهم تر شدن و منطقی‌تر نمودن آن کمک می‌کند. (پورنامداریان، ۱۳۷۵: ۱۴۸) معمولاً در خدمت تعبیر و تفسیر قرار دارند این نوع تمثیل‌ها اگر به شکلی تکرار شوند شکل نمادین به خود می‌گیرند. این تمثیلات نیز در دل تمثیلات روایی متوسط قرار دارند. بطور مثال: "در صفت

ضعف و پیری و سد باب منفعت گیری

عقل و دین را تقویت دادن به است زن که این تن روی در هستی نه است
 رخنه‌ها در رسته دندان فتاد کی توان بر خوردنی دندان نهاد
 (جامی، ۱۳۷۸: ۳۹۸)

عقل و دین در جسم سالم رشد می‌کنند نه در جسم سست، همانطور که دندان سوراخ نمی‌تواند خوردنی را خرد نماید جسم ضعیف هم نمی‌تواند قادر به تفکر باشد. این ابیات چون مثالی هستند برای ذکر درد پیری که جامی بصورت محسوس بیان نموده است.

۳-۳. انواع تمثیل از نظر شخصیت‌های داستانی

داستان‌های تمثیلی (الیگوری) را بر اساس شخصیت‌های داستان به سه قسم می‌توان تقسیم کرد:

۱،۳،۳. پارابل

داستان‌هایی که قهرمانان آنها شخصیت‌های انسانی هستند. این داستانها، هدفی اخلاقی و دینی دارند و می‌کوشند تا خواننده و شنونده را متنبه سازند و از خواب غفلت بیدار کنند و بدینسان به اصلاح پردازند. فرنگیان از اینگونه داستانها به پارابل تعبیر کرده‌اند (محمد تقوی، ۱۳۷۶: ۹۴)

جامی در سلامان و ابسال بر اساس روایت حنین بن اسحاق پاره‌ای از انواع شخصیت را برگزیده و گفتار و کردار و پندارشان را به چالش کشیده است سلامان شخصیت اصلی داستان و اابسال و شاه و حکیم به عنوان شخصیت‌های فرعی حکایت را تشکیل می‌دهند، جامی در ۲۷ حکایت از شخصیت‌های انسانی استفاده نموده شخصیت‌هایی مانند (غلام، شاعر، پیر، مجنون، عاشق، زلیخا یوسف و شیرین، بلقیس و سلیمان، اعرابی، شاگرد و حکیم، منافق، شخص عامی،...) اشخاص در «حکایت سلیمان و بلقیس که از مقام انصاف با هم سخن گفتند» انسان‌اند و جامی آنجایی که حکیم، پادشاه را از شهوت و زن دور می‌کند،

هر که یک جرعه می شهوت چشید تا ابد روی خلاصی را ندید

(جامی، ۱۳۷۸: ۴۰۹)

از این حکایت برای تبیین موضوع نکوهش و بی وفایی زن استفاده کرده است:
بود بلقیس و سلیمان را سخن روزی اندر کشف سر خویشان
هر دو را دل بر سر انصاف بود خاطر از زنگ رعونت صاف بود
(همان: ۴۰۹)

سلیمان و بلقیس دو شخصیت تاریخی هستند که در این حکایت صادقانه از عیوب خود صحبت می‌کنند و بلقیس با وجود اینکه خودش زن است جمله‌ای از خواجه فردوسی نقل می‌کند:

خواجه فردوسی که دانی بخردش برزن نیک است نفرین بدش
(همان: ۴۱۱)

جهت نکوهش زن از زبان بلقیس برای تأثیر گذاری بیشتر کلامش استفاده نموده است.

۲.۳.۳. فابل

داستان‌هایی که غالب شخصیت‌های آن‌ها حیوانات‌اند. از این داستانها به فابل تعبیر می‌شود و در آنها دو هدف مورد نظر است: «یکی، تعلیم اصول اخلاقی و اگر داستان عرفانی باشد تعلیم اصول عرفانی - اخلاقی؛ دوم، نقد سیاسی و اجتماعی» (تقوی، ۱۳۸۶: ۹۲ - ۹۳) جامی در سلامان و ابدال فقط در دو حکایت از شخصیت‌های حیوانی مانند (زاغ و روباه) استفاده نموده است. وی پیام اخلاقی صبر و پرهیز از حرص و طمع را در حکایت «روباه و روباه بچه» ذکر نموده است:

گفت با روباه بچه مادرش چون به باغ میوه آمد رهبرش
میوه چندان خور که بتوانی به تگ رستگاری یافتن ز آسب سگ
گفت ای مادر چو بینم میوه را کی توانم کاربست این شیوه را
(جامی، ۱۳۷۸: ۴۲۷)

حکایتی دیگری با عنوان «حکایت آن زاغ کور بر لب دریای شور که حواصل او را آب شیرین می‌داد اما وی را آن قبول نمی‌افتاد» ترس و ناامیدی از ناپایداری لذت‌ها را بیان می‌نماید،

بود همچون بوم زاغی روز کور جا گرفته بر لب دریای شور
بودی از دریا شورآبشخورش دادی آن شورابه طعم شکرش
(همان: ۴۲۳)

۳,۳,۳. ترکیبی از فابل و پارابل

در نوع دیگری از تمثیلات، شخصیت‌های انسانی و حیوانات با هم ایفای نقش و گفتگو می‌کنند جامی تنها در یک حکایت از این نوع تمثیل استفاده نموده است، او برای سرزنش نفس از شخصیت حیوانی خروس استفاده می‌کند که به جهت داشتن نفس و شهوت از عرش به درجه پایین نزول کرده است.

با خروس آن تاجدار سرفراز آن مؤذن گفت در وقت نماز
هیچ دانا وقت شناسد چو تو وز فوات وقت نهراسد چو تو
(همان: ۴۲۸)

۴,۳. انواع تمثیل از نظر محتوا

درونمایه تمثیل‌ها، همواره بر محور موضوعات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و مذهبی زندگی بشر متمرکز بوده‌اند؛ کارکرد انتقال تعلیمات و تجربیات را بر عهده داشته‌اند. بنابراین به تعداد مقوله‌های مرتبط با انسان و اجتماع و هستی، می‌توان انواع تمثیل را خلق کرد: تمثیل سیاسی، تمثیل اجتماعی، تمثیل روان‌شناختی، تمثیل فلسفی، تمثیل مذهبی، تمثیل عرفانی، تمثیل مارکسیستی، تمثیل اومانیستی، تمثیل نیهلیستی، تمثیل زنانه، تمثیل روشنفکرانه، تمثیل عوامانه، تمثیل کارگری، تمثیل آفرینش.

تمثیل‌های رایج از جنبه «محتوا» شامل پنج نوع زیر است که نمونه‌هایی از مثنوی سلمان و اقبال برای هر یک از انواع ذکر می‌شود.

۱,۴,۳. تمثیل اخلاقی

نخستین و رایج‌ترین نوع آن «تمثیل ساده اخلاقی» است. «روایت داستانی این نوع تمثیل بسیار

ساده و قابل فهم است و حاوی نکته اخلاقی متعارفی است. در واقع، تمثیل ساده اخلاقی، حکایتی است که در آن درون مایه بر صورت غلبه دارد، صورت غصه و اشک و وقایع صرفاً ابزارهایی هستند که یک پیام عادی و از پیش دانسته را بیان می‌کنند.» (فتوحی، ۱۳۸۶: ۲۶۲)

مثنوی سلامان و ابدال، منظومه‌ای عرفانی است و فضایل اخلاقی با سلوک عرفانی پیوندی عمیق دارد. جامی در این منظومه حکایت‌های اخلاقی را نیز بیان می‌نماید بطور مثال: «حکایت کریمی که دعوت سفله را اجابت نکرد تا صحبت سفلگان عادت او نگردد» جامی همنشینی با افراد فرومایه را نکوهش می‌کند و معتقد است که بر اساس همنشینی اخلاق انسان به مرور از همنشینی متأثر می‌گردد.

| | |
|-----------------------------|-------------------------------|
| سفله‌ای مهمانی آغاز کرد | سفلگان شهر را آواز کرد |
| خواند یک صاحب کرم را نیز هم | تا به خوانش رنجه فرماید قدم |
| گفت باشد نفس نادان و لثیم | زین دو وصف او دلی دارم دو نیم |
| | (جامی، ۱۳۷۸: ۴۰۹) |

۲.۴.۳. تمثیل سیاسی-تاریخی

تمثیل سیاسی و تاریخی در این نوع تمثیل اشخاص و اعمال و رویدادهای قصه به جای رخدادها و آدم‌های واقعی و تاریخی نشسته‌اند بازگوکننده‌ی حوادث و جریان‌های تاریخی‌اند. (فتوحی، ۱۳۸۶: ۲۶۳)

اگرچه جامی در برخی از حکایت‌ها از شخصیت‌های تاریخی استفاده نموده اما هدف بیان مفاهیم سیاسی و یا داستان تاریخی نیست، او برای ارائه مضامین عرفانی و اخلاقی، در نه حکایت از شخصیت‌های تاریخی (مجنون، داود، بلقیس و سلیمان، زلیخا و یوسف، وامق، پرویز، پادشاهان عجم، شیرویه و خسرو، قطران شاعر) استفاده نموده است، تنها حکایت (اشارت به آنچه حق سبحانه و تعالی در شان پادشاهان عجم به داوود علیه السلام وحی کرده است) متضمن مفهوم سیاسی-تاریخی می‌باشد. جامی عدالت را لازمه‌ی برقراری و بقای حکومت پادشاهان و رضایت مردم می‌داند و حاکمان عجم را بعنوان تمثیلی از عدل و راستی

بیان می‌نماید.

گفت با داوود پیغمبر خدایی
 کز عجم چون پادشاهان آورند
 گرچه بود آتش پرستی دینشان
 قرنها ز ایشان جهان معمور بود
 کأمت خود را بگوی ای نیک رأی
 نام ایشان جز به نیکی کم برند
 بود عدل و راستی آیینشان
 ظلمت ظلم از رعایا دور بود
 (جامی، ۱۳۷۸: ۴۰۶)

۳،۴،۳. تمثیل اندیشه

در این نوع تمثیل، «روایت، نماینده‌ی یک نوع آگاهی ذهنی است پیرنگ قصه چنان طراحی شده که اندیشه گوینده را شکل می‌دهد. صورت روایت اندیشه عیناً با اندیشه‌ی اصلی منطبق و قابل قیاس است. بسیاری از تمثیل‌های فلسفی و مذهبی از این نوع‌اند.» (فتوحی، ۱۳۸۶: ۲۶۳) ادراک این نوع تمثیل یک فرایند عقلی است و به روش قیاس و تطبیق قابل دریافت است. جامی در حکایت «سؤال و جواب شاگرد و حکیم که حلال زاده کیست و حلال زادگی چیست» اندیشه بازگشت هر چیز به اصل خودش را بیان می‌کند:

"آری آن مرغی که باشد نیکبخت
 آخر آرد سوی اصل خویش
 رخت" (جامی، ۱۳۷۸: ۴۳۶)

۴،۴،۳. تمثیل رمزی

«حکایتی است که در آن غرض اصلی گوینده به طور واضح بیان شده و نوعی ابهام در آن هست؛ در واقع عقیده یا موضوعی رمز آلود در قالب یک حکایت ساختگی ارائه می‌شود. در این تمثیل گوینده با عالمی رازآلود سر و کار دارد که ناگزیر برای بیان حقایق آن عالم متوسل به ساختن داستان می‌شود. (فتوحی ۱۳۸۶: ۲۶۴) سلامان و ابسال یک تمثیل عارفانه و عاشقانه رمزی است که پندارها و باورهای عرفانی انسان‌ها را در مثالی عاشقانه بیان می‌کند، در این منظومه سخن از عشق مجازی است، فرزند پادشاه (پادشاه نماد خداوند است) عاشق دایه خود، (که سمبل طبیعت است) می‌شود و آنگاه حکیم که سمبل عقل آسمانی است او را از

عشق زمینی به عشق آسمانی (زهره) راهنمایی می‌کند و به این ترتیب محبت استعلا می‌یابد و می‌توان گفت مجاز پل حقیقت می‌گردد، داستان نماد عروج روح بشری از طریق عشق مجازی به عشق حقیقی می‌باشد.

در میان این منظومه تمثیلی، تمثیلات رمزی کوتاه‌تری نهفته است، مانند: «حکایت آن کرد که در انبوهی شهرکدویی ای در پای خود بست تا خود را گم نکند» جامی بصورت رمزی رابطه‌ی انسان و خداوند (وحدت وجود) را بصورت تمثیلی بیان می‌نماید.

"تا چو آن کرد رهیده از دویی این منم گویم خدایا یا تویی
(جامی، ۱۳۷۸: ۳۹۲)

"کردی از آشوب گردشهای دهر کرد از صحرا و کوه آهنگ شهر"
(همان: ۳۹۲)

۵.۴.۳. تمثیل رؤیا

روایتی است که در آن راوی با ورود به عالم خواب و رؤیا سفری روحانی را تجربه می‌کند و پس از بازگشت به جهان مادی آن را روایت می‌کند (فتوحی ۱۳۸۶: ۲۶۴) جامی در آغاز منظومه خوابی بیان می‌کند: «بشارت به خوابی که ناظم در اثنای نظم این دیباچه دید و به تعبیر آن چنانچه خود کرده آرمید» و سپس به تعبیر آن اشاره می‌کند: «حکایت تعبیر معبر خواب آن ساده مرد را بر سبیل سخریه رفته استهزاء و درست آمدن تعبیر بی‌شائبه تبدیل و تغییر»، محتوای رؤیا دارد و جامی در عالم خواب رضایت شاه را به سبب نظم کتاب می‌بیند و بر ادامه‌ی سرودن منظومه قلم به دست می‌گیرد.

"چون رسیدم شب بدینجا زین خطاب در میان فکرتم بر بود خواب
خویش را دیدم به راهی بست دراز پاک و روشن چون ضمیر اهل راز"
(جامی، ۱۳۷۸: ۴۰۳)

۵.۳. انگزملوم ۳

نزد ملل و اقوام مختلف و زبان‌های زنده دنیا از گذشته تاکنون عبارات حکیمانه، جملات

پرمغز و حکایت‌های کوتاهی برای پند و اندرز وجود داشته که برای تمام اقشار، آشنا و قابل درک است و حاکی از حکمت، ذوق، فرهنگ، آیین، تفکر و نحوه زندگی آن ملت‌ها می‌باشد. این سخنان کوتاه، حکیمانه و گفتارهای موجز، «مَثَل» نامیده می‌شوند.

«اگزمپلوم (exemplum) یا داستان- مثال یا مثال داستانی است که شهرت بسیار داشته باشد و شنونده به محض شنیدن تمام یا قسمتی از آن، متوجه مشبه یا منظور باطنی تمثیل و نتیجه اخلاقی آن می‌شود» (شمیسا، ۱۳۸۵: ۲۴۹) «اگزمپلوم در ادب مسیحی غربی در مواعظ، بسیار مرسوم بود و مجموعه اگزمپلوم‌های متعددی از وعاظ و خطبای قرون وسطی به جا مانده‌است.» (همان: ۲۴۹) تمثیل اخلاقی یا (داستان- مثال) باید طوری باشد که فوراً ایده خاصی را به ذهن متبادر کند و به همین دلیل این داستان‌ها به علت کثرت استعمال جنبه کلیشه‌ای پیدا می‌کنند. البته مثل‌ها و ضرب‌المثل‌ها نیز در این گروه قرار می‌گیرند. مثل «قول سایر و مشهوری که حالتی یا کاری را بدان تشبیه کنند» (پورنامداریان، ۱۳۷۵: ۱۱۳) ضرب‌المثل «قولی کوتاه و مشهور که حالتی یا کاری را بدان تشبیه کنند و غالباً شکل نصیحت آمیزی از ادبیات عامیانه است که محصول ذهن عوام و مبتنی بر تجربه‌های عادی زندگی است. (همان: ۱۱۵) با این تعاریف اگزمپلوم نوعی مثل است یا به تعبیری ضرب‌المثل مشهور است که وقتی به عنوان آن اشاره می‌کنیم مخاطب منظور را در می‌یابد. البته اگزمپلوم از دیدگاه ساختاری (کمیت) جزء روایت‌های کوتاه محسوب می‌شوند اما همه روایت‌های کوتاه ممکن است اگزمپلوم نباشند.

خوش‌تر آن باشد که وصف دلبران گفته آید در حدیث دیگران

(جامی، ۱۳۷۸: ۴۱۹)

یار بی اغیار چون در بر بود خانه هرچه تنگ‌تر بهتر بود

(همان: ۴۳۱)

مردد مفلس را ازین بدتر چه غم گنج در پهلوی و کیسه بی درم

(همان: ۴۳۵)

تشنه رازین سخت‌تر چه بود عذاب چشمه پیش چشم و لب محروم از آب

(همان: ۴۳۵)

نتیجه‌گیری

تمثیل یکی از پیچیده‌ترین انواع ادبی است که جایگاه ویژه‌ای در متون عرفانی و اخلاقی دارد و شاعر یا نویسنده از تمثیل به عنوان برهان و دلیل برای سخن خود استفاده می‌کند تا بتواند اندیشه خود را برای مخاطب محسوس نماید. تمثیل، داستان یا حکایتی است که معنای ثانویه آن اهمیت بیشتری دارد. جامی برای بیان آموزه‌های عرفانی و اخلاقی خود از تمثیل استفاده نموده است و لایه درونی تمثیلات او خود دارای چند لایه است. منظومه سلامان و ابسال جامی از دیدگاه رو ساخت تمثیل روایی بلندی است که ۳۰ حکایت متوسط را در درون خود جای داده و این حکایت‌ها خود دارای ابیات و تمثیلات کوتاهی در درون خود می‌باشند، از دیدگاه شخصیت‌های داستانی می‌توان نتیجه گرفت که ۳/۹۰ درصد از حکایت‌های جامی در (سلامان و ابسال) پارابل است. او تقریباً از تمام اقشار اجتماعی در تمثیلات استفاده می‌نماید.

این منظومه عرفانی که خود حکایتی با شخصیت‌های انسانی (پارابل) است. ۶,۴ درصد از حکایت‌های جامی فابل، ۳,۱ درصد حکایت‌ها، دارای ترکیبی از شخصیت انسانی و حیوانی است.

از دیدگاه محتوا می‌توان نتیجه گرفت ۴۱,۹ درصد از حکایت‌های جامی، رمزی عرفانی، ۲۲,۵ درصد، اخلاقی، ۲۲,۵ درصد تمثیلات اندیشه، ۹,۶ درصد، تاریخی-سیاسی و ۳,۵ درصد تمثیل رؤیا تلقی می‌شود.

منابع و مأخذ:

الف) کتاب‌ها:

۱. ابن اثیر، (۱۳۷۹ ق)، المثل السائر، تحقیق احمد الحوفی و بدوی طبانه، القاهرة: دارنهمه مصر،
۲. ابوعبیدالقاسم بن سلام، (۱۴۰۰ ق)، الامثال، تحقیق عبدالمجید قطامش، مکه المکرمه: مطبوعات جامعهام القری،
۳. ارسطو، (۱۳۷۱)، رتوریک، فن خطابه، ترجمه پرخیده ملکی، تهران: اقبال،
۴. انوشه، حسن، (۱۳۸۱)، فرهنگ نامه ادبی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
۵. برقی، سیدیحیی (۱۳۷۶)، کاوشی در امثال و حکم فارسی، قم: نمایشگاه و نشر کتاب،
۶. پورنامداریان، (۱۳۷۵)، رمز و داستانهای رمزی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی
۷. تجلیل جلیل، (۱۳۷۰)، معانی و بیان، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، چ هشتم
۸. تفتازانی الهروی، سعدالدین مسعود (۱۴۰۹ ق)، المطول فی شرح تلخیص المفتاح، قم: منشورات مکتبه الداوری،
۹. تقوی محمد، (۱۳۷۶)، حکایت‌های حیوانات در ادب فارسی، تهران: انتشارات روزانه
۱۰. ثروتیان، بهروز (۱۳۶۹)، بیان در شعر فارسی، تهران: انتشارات برگ
۱۱. جامی، عبدالرحمن (۱۳۷۸)، هفت اورنگ، تصحیح علی خان‌زاده حسین احمدی تربیت، دفتر نشر میراث مکتوب،
۱۲. جرجانی عبدالقاهر (۱۳۶۶)، اسرارالبلاغه، ترجمه جلیل تجلیل، تهران: انتشارات دانشگاه
۱۳. حکمت، علی اصغر، (۱۳۸۶)، تحقیقات تاریخ احوال و آثار جامی، تهران: نشر توس، چ سوم
۱۴. داد، سیما، (۱۳۸۳)، فرهنگ اصطلاحات ادبی، تهران: مروارید
۱۵. دانش پژوه، منوچهر، (۱۳۸۸)، نقد روان جامی مروری بر زندگی و آثار جامی، تهران: نشر همشهری
۱۶. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، لغتنامه، تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چ دوم
۱۷. رادویانی، محمد بن عمر (۱۳۶۲)، ترجمان البلاغه، تصویر و اهتمام احمد آتش، تهران: انتشارات اساطیر، چ دوم
۱۸. رازی، شمس قیس (۱۳۷۳)، المعجم فی معاییرالشعارالعجم، به کوشش سیروس شمیسا، تهران: فردوس
۱۹. روشن، محمد (۱۳۸۲)، سلامان و ابسال جامی، تهران: انتشارات اساطیر
۲۰. سکاکی، ابویعقوب یوسف بن محمد بن علی (۲۰۰۰ م)، مفتاح العلوم، تصحیح عبدالحمیدالهنداوی، تهران: دارالکتب
۲۱. شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۶۶)، صور خیال در شعر فارسی، تهران: انتشارات آگاه
۲۲. شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۷۸)، آینه‌ای برای صداها، تهران: انتشارات سخن

۲۳. شمیسا، سیروس (۱۳۸۵)، معانی و بیان، تهران: میترا، چ دوم
۲۴. شوقی ضیف، (۱۳۸۳)، تاریخ تطور علوم بلاغت، ترجمه محمدرضا ترکی، تهران: سمت
۲۵. صفا، ذبیح الله، (۱۳۶۹)، تاریخ ادبیات در ایران، تهران فردوس. چ هفتم
۲۶. صفا، ذبیح الله، (۱۳۸۳)، تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی. تهران: امیرکبیر. چ ششم
۲۷. عقیقی، رحیم (۱۳۷۱)، مثل‌ها و حکمت‌ها در آثار شاعران...، تهران: انتشارات سروش
۲۸. عقدائی، تورج، (۱۳۸۱)، نقش خیال و یا در شعر فارسی، تهران: انتشارات نیکان
۲۹. فتوحی رود معجنی، محمود (۱۳۸۵)، بلاغت تصویر، تهران: انتشارات سخن
۳۰. قدامه بن جعفر، (۱۳۸۵)، نقد شعر، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران: بی نا، چ دوم
۳۱. قزوینی خطیب، جلال الدین محمدبن عبدالرحمن، (۱۹۰۴ م)، التلخیص فی العلوم البلاغه، ضبطه و شرحه عبدالرحمن البرقوقی، مصر: بی نا
۳۲. کزازی، جلال الدین (۱۳۸۱)، زیباشناسی سخن فارسی بیان، جلد ۶، تهران: نشر مرکز
۳۳. مک کوئین، جان (۱۳۸۹)، ترجمه حسن افشار، تهران: نشر مرکز
۳۴. معین، محمد (۱۳۶۴)، فرهنگ فارسی، تهران: انتشارات امیرکبیر، چ هفتم
۳۵. همایی، جلال الدین (۱۳۸۸)، فنون بلاغت و صناعات ادبی، تهران: نشر نما، چ بیست و نهم

ب) مقالات:

۳۶. امامی، صابر، (۱۳۸۱)، "نماد و تمثیل- تفاوت‌ها و شباهت‌ها". کتاب ماه هنر. ش ۴۸ و ۴۷
۳۷. شیرینی، قهرمان، (۱۳۸۹)، "تمثیل و تصویری نو از کارکردها و انواع آن"، فصلنامه علمی پژوهشی کاوش نامه، ش ۲۰
۳۸. -----، (۱۳۷۶)، "نشانه و نماد مثل و تمثیل". مجله رشد آموزش و ادب فارسی، ش ۴۲، سال یازدهم
۳۹. فتوحی، محمود، (۱۳۸۳)، تمثیل، ماهیت، اقسام، کارکرد"، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تربیت معلم تهران، سال ۱۲-۱۳، ش ۴۷
۴۰. نظری، ماه (۱۳۹۳)، "نقش تمثیل در داستان‌های مثنوی معنوی"، نشریه فنون ادبی دانشگاه اصفهان، ش ۲.
۴۱. محمودی، مریم، (۱۳۹۱)، "تحلیل شخصیت پردازی در منظومه سلامان و آبسال جامی". فرشته خواجه دهاقانی، مجله پژوهش‌های نقد ادبی و سبک‌شناسی (علمی و پژوهشی). ش ۴. صص ۱۸۳-۲۰۶.



**Journal of Research Allegory in
Persian Language and Literature**
Islamic Azad University- Bushehr Branch
No. 37 / Autumn 2018

Allegory in salaman and absal Jami

Zinab Nouri Sorkhani¹, fatemeh heidari^{2*}

1. Phd Student of Persian Language and Literature, Islamic Azad University of Karaj, Iran
2. Associate Professor of Persian Language and Literature, Islamic Azad University of Karaj, Iran

Abstract

allegory is one of the most important literary forms that has a high status in Persian literature. By examining the parables of each nation, one can be aware of the way of life and the level of civilization and education of that community. The allegory, on the one hand, depends on the speaker's motives and, on the other hand, depends on the amount of knowledge, purpose, and awareness of the listener or receiver. An allegory attempts to make a certain part of the knowledge meaningful, An analogy is used to explain and explain the meaning and serves the teaching of literature. In this descriptive-analytic study, the narrative allegory and its instruments and its elements in Salaman and Abbsal Jami were studied and the graph of the frequency of the types of fables, parables and the content of the analogies ... is depicted. The result of this study has shown that Parambul is the most popular type of fictional parable, and has benefited from national mythology, historical and religious illustrations, and animals to express their allegories.

Keywords: allegory, jami, salaman and abbasal, parabel, ramie allegory

Receive: 2018/7/3 Accept: 2018/10/12

*E-Mail: fateme_heydari10@yahoo.com